



صاحب امتیاز:

مدرسه علمیه معصومیه شیراز

مدیر مسئول: کبری بیگی

سردبیر: زهرا هاشمی آزاد

طراح و ویراستار: سیده آسیه بلادی

هیئت تحریریه:

سیده زینب موسوی نژاد، کبری بیگی، راضیه سلطانی، زهرا

هاشمی آزاد، مریم پرونده، فهیمه رجب پور، سمیه

ابراهیمی فرد، لیلا دهقان، شهربانو جنابی

نشریه فرهنگی - تربیتی مدرسه علمیه معصومیه شیراز

شفیعه / شماره ۲ / تابستان ۹۹

◦ **دامنه ی عفاف**

◦ **دلت پاک باشد...**

◦ **عفیفانه - حجاب از زبان قرآن**

◦ **آزادی زن یا اصالت زن - آزادی زن امروز**

◦ **به وقت مطالعه معرفی کتاب «حریم ریحانه»**

◦ **مصاحبه با سهیلا سامی جراح و نابغه ایرانی**

◦ **زن در اسلام، آراسته به کرامت یا پیچیده در محدودیت**

مقام زن در جهان بینی اسلامی





حجاب شما به خون ما رنگ می بخشد

شهید ابراهیم هاشمی

جایگاه زن در جهان بینی اسلامی

نیست. علیهذا در اسلام نظریه تحقیر آمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و طینت وجود ندارد. آیات متعددی در قرآن دلیل بر مقام زن و حقوق این طایفه می باشد (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۴۷)

اسلام اصل علت غائی را در کمال صراحت بیان می کند، اسلام با صراحت کامل می گوید، زمین و آسمان، ابر و باد، گیاه و حیوان، همه برای انسان آفریده شده اند، اما هرگز نمی گوید زن برای مرد آفریده شده است، اسلام می گوید هر یک از زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده اند، «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ». زنان زینت و پوشش شما هستند و شما زینت و پوشش آنها. اگر قرآن زن را مقدمه مرد و آفریده برای مرد می دانست قهراً در قوانین خود این جهت را در نظر می گرفت، ولی چون اسلام از نظر تفسیر خلقت چنین نظری ندارد و زن را طفیلی وجود مرد نمی داند در مقررات خاص خود درباره زن و مرد به این مطلب نظر نداشته است (همان، ص ۱۵۱).

قرآن در آیات فراوانی تصریح کرده است که پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست، به ایمان و عمل مربوط است، خواه از طرف زن باشد یا از طرف مرد، قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می کند، از همسران آدم و ابراهیم و از مادران موسی و عیسی در نهایت تجلیل یاد کرده است، اگر همسران نوح و لوط را به عنوان زنانی ناشایسته برای شوهران شان ذکر می کند، از زن فرعون نیز به عنوان زن بزرگی که گرفتار مرد پلیدی بوده است غفلت نکرده است، گویی قرآن خواسته است در داستان های خود توازن را حفظ کند و قهرمانان داستان ها را منحصر به مردان ننماید. در تاریخ خود اسلام زنان قدیسه و عالیقدر فراوانند. کمتر مردی است به پایه خدیجه برسد، و هیچ مردی جز پیغمبر و علی به پایه حضرت زهرا نمی رسد، حضرت زهرا بر فرزندان خود که امامند و بر پیغمبران غیر از خاتم الانبیا برتری دارد. اسلام در سیر من الخلق الی الحق یعنی در حرکت و مسافرت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست، تفاوتی که اسلام قائل است در سیر من الحق الی الخلق است، در بازگشت از حق به سوی مردم و تحمل مسئولیت پیغامبری است که مرد را برای این کار مناسب تر دانسته است (همان، صص ۱۴۹-۱۵۰).

محتویات قرآن صرفاً یک سلسله مقررات و قوانین خشک بدون تفسیر نیست، در قرآن هم قانون است و هم تاریخ و هم موعظه و هم تفسیر خلقت و هم هزاران مطلب دیگر، قرآن همان طوری که در مواردی به شکل بیان قانون دستورالعمل معین می کند در جای دیگر وجود و هستی را تفسیر می کند. قرآن کتاب فلسفه نیست، اما نظر خود را درباره جهان و انسان و اجتماع که سه موضوع اساسی فلسفه است به طور قاطع بیان کرده است. قرآن، صرفاً به موعظه و پند و اندرز نمی پردازد، بلکه با تفسیر خلقت به پیرامون خود طرز تفکر و جهان بینی مخصوص می دهد، زیر بناء مقررات اسلامی درباره امور اجتماعی از قبیل مالکیت، حکومت، حقوق خانوادگی و غیره همانا تفسیری است که از خلقت و اشیاء می کند (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۴۶)

سؤالاتی که در رابطه با موضوع اصلی پژوهش مطرح می شوند این است که، اسلام زن را چگونه موجودی می داند؟ آیا از نظر شرافت و حیثیت انسانی او را برابر با مرد می داند و یا او را جنس پست تر می شمارد؟ آیا در اسلام نظریه ای مبنی بر اینکه زن مقدمه وجود مرد است و برای مرد آفریده شده است وجود دارد؟ آیا در اسلام نظر تحقیر آمیزی مبنی بر این پایه که، زن به بهشت نمی رود، زن مقامات معنوی و الهی را نمی تواند طی کند، زن نمی تواند به مقام قرب الهی آن طور که مردان می رسند، برسد، وجود دارد؟

قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم. قرآن درباره آدم اول در آیه ۱ سوره نساء می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»؛ همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم. درباره همه آدمیان می فرماید: خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید (سوره نساء و سوره آل عمران و سوره روم). در قرآن از آنچه در بعضی از کتب مذهبی هست که زن از مایه ای پست تر از مایه مرد آفریده شده و یا اینکه به زن جنبه طفیلی و چپی داده اند و گفته اند که همسر آدم اول از عضوی از اعضاء طرف چپ او آفریده شد، اثر و خبری

با دیانت اسلام که آخرین و کاملترین ادیان است خط بطلان بر همه آراء و عقاید پوچ پیشینیان کشیده شده، زنان همچون مردان از همه مواهب طبیعی زیستی، اجتماعی، حقوقی، برخوردار شدند. به طوری که در زمان کوتاه زندگی و حکومت اسلامی در زمان پیامبر نمونه های زیادی به ظهور رسیده نشانگر پایگاه و مقام اجتماعی زنان در زمان آن حضرت شد (طلوع، ۱۳۵۷). بنابراین، اسلام، انقلابی بزرگ در مقام زن از نظر احیای حقوق طبیعی و مسلم و ارج گذاشتن به او در جامعه به عنوان محورنظام در منزل و داروی دردهای روزمره و رفتاری های زندگی و آینه خوشبختی و سعادت نموده است. مقام زن را بالا برده و آن را از هر هرج و مرج تباهی مصون داشته و از ظلم و ستمی که قبل از اسلام- همواره گریبانگیر او بوده و درهای زندگی بر روی او بسته، حمایت کرده است. همان ظلم و ستمی که نمونه اش در جامعه بزرگ روم پدیدار بود. آنان بر این باور بودن که زن نه تنها در دنیا اجازه استقلال و آزادی ندارد که در آخرت نیز، او را جایی نیست!! فیلسوف بزرگ چین (کنفوسیوس) که برخی از اسلام ناشناسان ما، آن همه از او دم می زنند درباره زن می گوید: «جایز نیست که زن امر و نهی کند زیرا کارش در خدمت کردن و کارهای منزل خلاصه می شود و باید او را در منزل زندانی کرد تا خیر و شرش از آستانه درب منزل فراتر نرود!» (پاسدار اسلام، ۱۳۶۴)

و اما اسلام آمد که کرامت انسانی زن را به او بازگرداند. اسلام آمد که اقرار کند: زن انسانی است مانند مرد و بر او است آنچه بر مردان است از واجبات و حقوق «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ» و در این اقرار، سه راز نهفته است:

۱- گرچه سیاست اداره امور خانه به مرد واگذار شده است ولی نباید مرد این حق را وسیله ظلم و برتری جویی در کانون گرم خانواده بداند و بر آن در کوچک شمردن زن و تحقیر وی، تکیه نماید ۲- زنان دارای حقوق اجتماعی مساوی هستند و زن حق دارد تا آنجا که توان دارد، موهبت های الهی و فطری خود را در چارچوب نظام ثابت الهی، پرورش دهد ۳- زن می تواند از تمام مزایای مشروع اجتماعی برخوردار باشد و از آموزش و تعلیم و تعلّم تا رسیدن به اوج پیشرفت علمی بهره برد.

و در مسائل اقتصادی حق دارد، مانند مرد از اموال خود- در حدود قانون اسلام- استفاده کند و آن را استثمار نماید و هیچ کس را حقی در اموال او نیست. «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» و بالاتر اینکه اگر هر قدر هم ثروتمند و مالدار باشد،

شوهر را از پرداخت نفقه اش باز نمی دارد. و در انتخاب همسر نیز، اختیار با زن است و بدون اجازه او کسی حق ندارد، شوهر برایش انتخاب کند (همان، ۱۳۶۴). در خاتمه ای این بحث ضروری است اشاره ای به سخنرانی مقام معظم رهبری در جشن باشکوه میلاد کوثر درمورد جایگاه زن در اندیشه اسلامی داشته باشیم. ایشان فرمودند: «اگر جامعه اسلامی بتواند زنان را با الگوی اسلامی تربیت کند- یعنی الگوی زهرایی، الگوی زینبی، زنان بزرگ، زنان با عظمت، زنانی که می توانند دنیا و تاریخی را تحت تأثیر خود قرار بدهند- آن وقت زن به مقام شامخ حقیقی خود نایل آمده است. اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی-یی که خدای متعال و آیین الهی برای همه انسانها-چه مرد و چه زن به طور یکسان در نظر گرفته است، برسد، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد، محیط خانواده گرمتر و باصفاتر خواهد شد، جامعه پیشرفت بیشتری خواهد کرد، و گره های زندگی آسانتر باز خواهد شد؛ یعنی زن و مرد خوشبخت خواهند شد. برای این باید تلاش کرد؛ هدف این است. هدف، رقابت خصمانه زن و مرد نیست. هدف، این است که زنان و دختران بتوانند همان سیر و همان حرکتی را انجام بدهند که وقتی مردان آن حرکت را انجام بدهند، به صورت یک انسان بزرگ درخواهند آمد؛ زنان انسان بزرگ بشوند. این، ممکن است و در اسلام تجربه شده است. زن در همه جوامع-از جمله در جامعه ما- دچار ستم و کمبودهایی است که بر او تحمیل می شود. اما این کمبود، کمبود میدانها و فرصت ها برای علم و معرفت و تربیت و اخلاق و پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست. هدف اسلام در دفاع از حقوق زنان- این است که زنان تحت ستم نباشد و مرد خود را حاکم بر زن نداند. در خانواده، حدود و حقوقی دارد، مرد حقوقی دارد، زن هم حقوقی دارد، و این حقوق به شدت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. آنچه به نام اسلام است و غلط است، آنها را نمی گوئیم و از آنها دفاع نمی کنیم آنچه متعلق به اسلام است، بینات اسلام و مسلمات اسلام است. اینها چیزهایی است که میان حقوق زن و مرد در داخل خانواده توازن قائل است. کسانی که در خصوص مسأله زن تلاش می کنند، باید در این زمینه ها تلاش کنند. اولاً فکر رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی، خود بانوان باید بیشتر به این مسأله بیندیشند. خود آنها به معارف، به معلومات، به مطالعه، به مسائل اساسی زندگی رو کنند. همان تربیت غلط غربی موجب شد که در دوران حکومت طاغوت در این کشور، زنان به آرایش،

تجملات، زینت‌های بی‌خودی، تبرج و خودنمایی تمایل پیدا کنند، که این هم از نشانه‌های مردسالاری است. یکی از نشانه‌های مردسالاری غربیها همین است که زن را برای مرد می‌خواهند، لذا می‌گویند زن آرایش کند تا مرد التذاذ ببرد. این مردسالاری است، این آزادی زن نیست. می‌خواهند مرد آزاد باشد، لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرج در مقابل مرد تشویق می‌کنند. دوم، اصلاح قوانین است. بعضی از قوانین در برخورد با زن و با مرد احتیاج به اصلاح دارد. باید کسانی که اهل این کارها هستند، مطالعه کنند، بررسی کنند و آن قوانین را درست نمایند.

یک مسأله دیگر که این هم از کارهای لازم است، این است که نظر اسلام در مورد حقوق زن و حقوق مرد باید تبیین بشود. خود بانوان هم در این زمینه باید کار کنند، اما بیشتر باید کسانی که در معارف اسلامی آگاهی دارند، تلاش بکنند و بتوانند نظر اسلام را در آن جاهایی که حقوق زن و مرد متفاوت است، درست تبیین کنند.

مسأله بعدی، مسأله اهمیت دادن به عفاف در زن است. هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می‌گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد. در غرب به خاطر اینکه به این نکته توجه نشد- یعنی مسأله عفت زنان مورد اهتمام قرار نگرفت و به آن اعتنایی نشد- کار به این بی‌بند و باریها کشید. عفت در زن، وسیله‌ی برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتی در چشم خود مردان شهوتران و بی‌بند و بار است. این مسأله حجاب و محرم و نامحرم، نگاه کردن و نگاه نکردن همه اینها به خاطر آن است که این قضیه عفاف در این بین سالم نگه داشته بشود. اسلام به مسأله عفاف زن اهمیت می‌دهد، البته عفاف مرد هم مهم است. بانوان محترم بایستی متوجه شوند که ناجی آنها رسول اکرم (ص) بود و تنها اسلام توانست آن‌ها را از چنگال مرگ و نیستی به وضع فجیع نجات دهند، اسلام بود که حقوق زن را معرفی نمود و برای زن عفت خواست، عفت و نجابت برای زن لازم و ضروری است و نتیجه توجه نکردن به دستورات محکم قرآن همین وضع فعلی می‌باشد (افروز شعری، شماره ۱).

یک مسأله هم، مسأله تعلیم و تربیت بانوان است. خوشبختانه امروز در جامعه ما، تعلیم و تربیت زنان رایج است، اما در عین حال هنوز خانواده‌هایی هستند که دختران خودشان را از تحصیل منع می‌کنند. اگر یک روز محیط‌های تحصیلی، محیط‌های ناسالمی بود، امروز دوران اسلامی است؛ آن گونه نیست. باید اجازه بدهند

که دختران درس بخوانند؛ مطالعه کنند، کتاب بخوانند، با معارف دینی و با معارف انسانی آشنا بشوند. این کار بسیار لازمی است که این هم باید انجام بگیرد. نکته آخر اینکه جامعه هم از لحاظ قانونی، هم از لحاظ اخلاقی، باید با کسانی که تعدی به زن را حق خودشان می‌دانند، برخورد سخت بکند، در کشورهای غربی علی‌رغم این همه شعاری که می‌دهند، هنوز نتوانسته‌اند این را تأمین بکنند. یعنی در داخل خانواده‌ها، زنانی که از دست شوهرانشان کتک می‌خورند، دخترانی که از دست پدرانشان مجروح می‌شوند و کتک می‌خورند فراوانند. اگر کشوری بتواند جامعه زنان را با تکیه بر تعلیمات اسلامی، با همان معارفی که اسلام خواسته است، آشنا بکند، پیشرفت و ترقی و تعالی کشور مضاعف و چندبرابر خواهد شد. در هر میدانی که بانوان مسئولانه در آن میدان وارد بشوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷).
بنابر مقتضیات فوق، اسلام از نظر فکر فلسفی و از نظر تفسیر خلقت نظر تحقیرآمیزی نسبت به زن نداشته است بلکه آن نظریات رامنسوخ کرده است.

زهرای هاشمی آزاد



به وقت مطالعه

کتاب «حریم ریحانه»



نگاه حرام

تیری است ز هر آلود از جانب شیطان

The Unlawful Look is poisonous shot on behalf of Satan

یک دایره المعارف کامل درباره حجاب، اولین و تنها دائرة المعارف و اطلس پوشش و عفاف در کشور، که به همه ی وجوه حجاب اشاره کرده و متون آن مستند و مستدل هست. با خواندن این کتاب می توانید با نظرات همه بزرگان، فیلسوفان و حتی هنرمندان غربی راجع به حجاب، آشنا شده و از تمام آمارهای مربوط به آزار و اذیت... دختران و زنان کشورها به خاطر نبود حجاب مطلع شوید و این کتاب، حجاب را به صورت عقلی و منطقی معرفی کرده و برای عامه جامعه و جوانها قابل فهم و درک است. نکته خاص کتاب این است که نگاهش جامع بوده و حجاب را هم درون دینی و هم برون دینی اثبات می کند.

خانم مریم پرونده

سهیلا سامی، جراح نابغه ایرانی



سهیلا سامی متولد سال ۶۸ است یعنی فقط ۳۰ سال دارد. اما با این سن کم تاکنون ۵۰۰ عمل جراحی مغز و اعصاب داشته! او که دوره رزیدنتی خود را در مرکز مغز و اعصاب هانوفر آلمان شروع کرد، پیچ و خم جراحی را در کنار پروفیسور سمیعی آموخت. شاید مهم‌ترین ویژگی این نابغه جوان که جلب توجه می‌کند محجبه بودن اوست. سهیلا سامی در خصوص حجاب خود در مصاحبه‌ای گفته است: من با انتخاب و آگاهی حجاب را برگزیدم و این دیگر داخل و خارج از کشور ندارد. او در پاسخ به این سؤال که حجاب برایش محدودیت ایجاد کرده است یا نه، پاسخ می‌دهد: حجاب در زمینه جراحی برای من محدودیتی ایجاد نکرده و حتی در اتاق عمل که یک محیط کاملاً استریل است و مدام باید دست‌های خود را شست و در کنار همکاران آقا و خانم کار کرد، تاکنون هیچ مشکلی برای من ایجاد نشده است.

حجاب محدودیت نیست ...

حجاب از زبان قرآن

قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می گوید می فرماید: حجاب عبارت است از احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید و جنبه حیوانی ننگرند. قرآن کریم، وقتی مسئله لزوم حجاب را بازگو می کند علت و فلسفه ضرورت حجاب را چنین بیان می فرماید: (سوره احزاب، آیه ۵۹) برای اینکه شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند.

شبهه ای که در ذهن بعضی افراد هست این است که خیال می کنند حجاب برای زن محدودیت و حصار است که خانواده برای او به وجود آورده و آن را نشانه ضعف و محدودیت زن می دانند. راه حل این شبهه در بینش قرآن کریم این است که، زن باید کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست که بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم، حجاب زن حق الهی است. حرمت زن اختصاص به خود زن دارد نه شوهر، نه خانواده، همه اینها اگر رضایت بدهند قرآن راضی نخواهد بود. چون حرمت زن به عنوان حق الله مطرح شده و خدای سبحان، زن را با سرمایه عاطفه آفریده که معلم رقت باشد و پیام عاطفه بیاورد و اگر جامعه ای این درس رقت و عاطفه را ترک نمودند و به دنبال غریزه و شهوت رفتند به همان فساد مبتلا می شود که در غرب ظهور کرده. لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم.

مراحل نزول آیات حجاب
با دقت در ترتیب نزول آیات حجاب معلوم می شود که حکم حجاب تدریجی و طی مراحل اعلام شده است. اولین مرحله: در روزهای پایانی سال پنجم هجری در جریان ولیمه ازدواج پیامبر (ص) با زینب بنت جحش، آیه ی حجاب همسران پیامبر (ص) نازل شد. همه ی مردان طبق دستور این آیه شریفه، می بایست از پس پرده با همسران پیامبر (ص) سخن بگویند. **وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ؛** و چون از زنان آپیامبر چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای دلهای شما و دلهای آنان پاکیزه تر است (سوره احزاب/ آیه ۵۳).

دومین مرحله: خویشاوندان نسبی از دایره حکم مرحله ی اول بیرون شدند. **لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ؛** بر آنان (همسران پیامبر) گناهی نیست در مورد پدران و پسران و برادران و پسران برادران و خواهران خود و زنان هم کیششان و بردگان خویش (که بدون حجاب در برابر آنان

ظاهر شوند) و تقوای الهی پیشه کنید (سوره احزاب/ آیه ۵۵).

سومین مرحله: جلباب به عنوان حقی برای همسران و دختران پیامبر (ص) و زنان مؤمن قرار داده شد. **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا** (سوره احزاب/ آیه ۵۹)

چهارمین مرحله: آیات سوره نور، احکام حجاب بانوان را روشن ساخت. **وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءَ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءَ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** (سوره نور/ آیه ۳۱)

پنجمین مرحله: اجازه گرفتن برای ورود به محل استراحت بانوان محرم، مطرح شد. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ أَذْنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** (سوره نور/ آیه ۵۸)

نکات تفصیلی این بخش: ۱- تکلیف قرار گرفتن پس پرده، متوجه همسران حضرت رسول است نه مردان. با توجه به دو عبارت (لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ) و (وَاتَّقِينَ اللَّهَ) که هر دو مؤنث آمده است. ۲- جنبه شرافتی و حق بودن حجاب از جنبه تکلیفی آن بیشتر است، چرا که در آیه حجاب پس از اعلام حکم به انذار و تبشیر نیامده بلکه دلیل عقلی و عرف پسند آمده است. (ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ) ۳- به همین دلیل زنان مدینه برای جلوه گر شدن ابهت و حشمت خود، چادر سیاه به سر کردند. ۴- پوشیدن چادر سیاه با توجه به شرایط جوی عربستان و نبودن امری بر این مسئله از جانب پیامبر (ص)، حجتی است بر حق و شرافت بودن حجاب.

لیلا دهقان وسمیه ابراهیمی فرد

هوسی که کنترل نخواهد شد...

یک روزی به ما می گفتند که در اروپا -آن روز اروپا را مطرح می کردند- حجاب نیست و زن و مرد با هم قاطی اند، هوس و شوق جنسی هم در آنجا طبعاً کنترل شده است. خب، حالا شما نگاه کنید ببینید همین جور است؟ آیا هوسها کنترل شده است یا هوسها تحریک شده است؟ این همه جنایت جنسی امروز دارد در آمریکا و در اروپا اتفاق می افتد؛ به جنس مخالف هم دیگر حالا اکتفا نمیکنند! و از این بدتر هم خواهد شد. اسلام انسان را شناخته است که حکم حجاب را داده، حکم عدم اختلاط زن و مرد را داده. اسلام من و شما را شناخته؛ [انسان] مال خدا است و [او] آفرینندهی ما است. (۹۴/۸/۲۰، دیدار با روسای دانشگاه ها و پژوهشگاه ها)



دلت پاک باشه

حاج آقا قرائتی نقل میکنند:

در یکی از دانشگاه ها پیرامون حجاب سخنرانی می کردم ناگهان دختری جوان از وسط جمعیت فریاد زد حاج آقا.....!!!!

چرا شما حجاب را ساختید؟!!!!!!

گفتم؛ حجاب، بافته ذهن ما نیست حجاب را ما نساختیم بلکه در کتاب خدا یافتیم، گفت؛ حجاب اصلاً مهم نیست چون ظاهر مهم نیست، دلت پاک باشه کافیه گفتم؛ آخه چرا یه حرفی می زنی که خودت هم قبول نداری؟!!!!

گفت: دارم

گفتم: نداری

گفت: دارم

گفتم: ثابت می کنم که این حرفی که گفتی خودت قبول نداری
گفت: ثابت کن
گفتم: ازدواج کردی
گفت: نه

گفتم: خدایا این خانم ازدواج نکرده و اعتقاد داره ظاهر مهم نیست دل پاک باشه، پس یه شوهر زشت زشت زشت قسمتش بفرما
فریاد زد: خدا نکنه
گفتم: دلش پاکه
گفت: غلط کردم حاج آقا.....!!!!



عفاف، نوعی زیست است که برای خود و دیگران باعث پاکدامنی می‌شود. این عنوان در دیدگاه اسلامی آن قدر والا است که آمده انسان عفیف، در ردیف ملائکه الله فرض می‌شود و در صورت تبیین درست، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد. عفاف به معنای پرهیزگاری و پاکدامنی و خودداری از غلبه مطلق شهوت و تمایلات درونی می‌باشد و در آیات و روایات غالباً درخصوص خودداری از شهوت جنسی و نفسانی به کار رفته است. همچنین واژه عفت و پاکدامنی در مورد زنان بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. عفت مداری از اصولی ترین پایه های حراست امنیت اجتماعی است. قرآن کریم، برهنگی را یکی از ویژگی های جاهلیت کهن می داند و می فرماید: چونان زنان در جاهلیت نخستین، خودنمایی نکنید و زیبایی ها و زیورهای خود را به نمایش نگذارید. این برای آن که شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند، نزدیک تر است (سوره احزاب، آیه ۵۹). سبک زندگی ما از خورد، خوراک، خواب، پوشش، گفتار، رفتار و... باید طوری باشد که هم خود و هم دیگران دچار کمترین تحریک غریزی و شهوانی نشوند. مواردی که در آیه حجاب به آن تأکید شده، حجاب به عنوان یکی از مصادیق عفاف است و در آیات دیگر به زنان دستور داده شده که در هنگام گفتگو با نامحرم سنگینی را حفظ کنند و صدای خود را نازک نکنند یا در آیات متعدد، گرفتن دوست از جنس مخالف را منهی اعلام کرده است. بر اساس روایات، حضور غیرضروری زنان در جایی که مردان هستند، از مصادیق خلاف عفت است؛ استفاده زن از عطر در جایی که مردان حضور دارند، حرام است. ابعاد عفاف در حقیقت همان مصادیق و نموده های عفاف هستند که در سه شاخه اصلی قابل تقسیم بندی است:

- ۱- عفاف در کردار (عفت رفتار) ۲- عفاف در گفتار (عفت کلام) ۳- عفاف در اندیشه (عفت فکر). یکی از مهم ترین مصادیق «عفاف»، مسأله «حجاب و پوشش» است. به این معنا که هر چه پوشش بیش تر باشد، مقدار مصونیت در مقابل آسیب ها نیز بیش تر است. آثار اجتماعی رعایت حجاب فراوانند که برخی از آنها عبارتند از: ۱. سلامت نسل جدید جامعه، ۲. پیشگیری از فساد اخلاقی، ۳. مبارزه با مظاهر بی دینی، ۴. حفظ کیان خانواده. عفاف تنها، عامل درونی است که می تواند به طور کامل رفتار آدمی را کنترل و تعدیل نماید؛ زینت شدن به لباس تقوا، انسان را از افراط و تفریط در امور زندگی از جمله آراسته شدن به لباس ظاهر و... مصون می دارد.

سمیه ابراهیمی فرد

حجاب
Hijab

آزادی زن امروز

جنبش بر گرفته از تفکری بود که بعد از رنسانس و عصر روشنگری در مغرب زمین حاکم شد و عمدتاً بر ۳ پایه ی اساسی قرار داشت:

۱- اومانیزم یا انسان گرایی که انسان را به عنوان موجودی مستقل، بریده از آسمان و بی نیاز از هدایت های الهی معرفی می کرد. ۲- لیبرالیسم یا اصالت بخشیدن به آزادی های فردی و انکار اصول و ارزش های اخلاقی و اجتماعی که ثمره ای جز اباحی گری و نفی همه ی محدودیت های برخاسته از تعالیم دینی نداشت. ۳- سکولاریسم یا عرفی گرایی که پیامد آن نفی حاکمیت دین در عرصه ی قانون گذاری و برنامه ریزی اجتماعی بود.

در طول ۳ قرن تلاش جدی فعالان احقاق حقوق زن در غرب، دستاوردهایی که بعضاً به ویژه در ابتدای مسیر، احیاکننده ی حیات انسانی و اجتماعی زن به شمار می رفت و بخشی دیگر، به دور شدن هر چه بیشتر زنان از هویت و فطرت جنسی آن ها و در نتیجه اضمحلال بی رویه ی نهاد خانواده و ترویج روابط اجتماعی آسیب زا انجامید. اولین و به واقع مهم ترین دستاورد سردادن و مطالبه ی شعار آزادی زن را می توان تصویب قانونی در سال ۱۸۸۲ دانست که به موجب آن، زنان بریتانیای کبیر امتیاز بی سابقه ی حق نگه داشتن درآمد خود را دارا شدند. این اولین گامی بود که توانست به طور گسترده ای زنان را از خانه به کارخانه بکشاند و چرخ دنده های نظام سرمایه داری غربی را، با نیروی کار ارزان و پرکار، با سرعت هر گاه تمام تر به حرکت آورد.

آزادی زن، امروزه به حربه ای برای بازیچه قرار دادن زن مبدل شده تا ضمن بزرگداشت ارزش ظاهری زن، از او و فطرتش هر سوء استفاده ای که لازم است صورت دهند و زن غربی نیز در این ورطه خود را همراه کرده و دست در دست سرمایه داری به زوال خانواده به عنوان اولین منزلگاه ظلم به زنان! یاری می دهد..

به تعبیر استاد مطهری، «با آزادی است که ممکن است انسان به عالی ترین کمالات و مقامات برسد و ممکن است به اسفل السافلین سقوط کند.» این مسئله تفاوت اصلی اسلام با غرب پیرامون موضوع آزادی است؛ یعنی در غرب آزادی برای آزادی خواسته می شود و در اسلام آزادی برای سعادت نهایی بشر. در اسلام در کنار آزادی انسان، چیزهای دیگری هم داریم. یکی از این موارد امر قدسی و فرانسائی «عقل» است که همه ی ما در آن شریکیم. این عقل بسیاری از «آزادی های نامعقول» را محدود می کند. امر دیگری که آزادی را محدود می کند وحی است. بر همین منوال، «آزادی زن» با پاسخ به سوالات «از چه» و «برای چه» می تواند وسیله ای در راستای استقلال و رهایی زنان از زیر بار سلطه و ستم و بروز و ظهور استعدادها و توانایی های ایشان باشد یا اینکه هدف نهایی خلقت زن تصور شود و نتایج فردی، خانوادگی و اجتماعی متفاوتی را به بار نشاند.

شعار «آزادی زن» عمدتاً از اواخر سال ۱۷۰۰ توسط سردمداران جنبش احقاق حقوق زن در غرب مطرح شد و به طور گسترده، امانه با سرعتی چشمگیر، به تمامی جهان تسری یافت. مبانی و اصول زیربنایی این

شهربانو جنبانی





به جرم حجاب

خاطرات مردمی قیام گوهرشاد

برگرفته از خاطرات مریم پور امینی

قزاق ها تا خواهرم را دیدند که حجاب دارد، از کالسکه بیرون انداختند و چادرش را کشیدند و سرش را برهنه کردند. او را کتک زدند و بی حال به خانه آوردند. خواهرم فقط ۱۸ سال داشت و هفت ماهه حامله بود. چون کتکش زده بودند، جانی نداشت و بعد از چند روز بچه اش را از دست داد و خودش هم مرد.